

## به نام خدا

## اظهار نظر کارشناسی درباره:

**«لایحه تشکیلات دادرسی و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضائی»  
(اعاده شده از شورای نگهبان)**

## مقدمه

لایحه تشکیلات دادرسی و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضات که در پی تصویب کمیسیون قضایی، توسط مجلس نیز به تصویب رسید، توسط شورای نگهبان با ایرادات و ابهاماتی مواجه شد. این ایرادات و ابهامات در مصوبات کمیسیون مذکور و با تصویب مجلس برطرف شد، ولی یک ایراد مهم شورا کماکان باقی ماند که شورای نگهبان در نامه اخیر خود به آن اشاره کرده است. در ادامه پس از تبیین ایراد شورای نگهبان و اصلاحیه مصوب کمیسیون در راستای رفع ایراد مذکور، جمع‌بندی انجام می‌گیرد.

**الف) تبیین ایراد شورای نگهبان**

در مصوبه مجلس، در کنار دادگاه عالی انتظامی قضات و مرجع تجدیدنظر آن، محکمه‌ای برای رسیدگی به صلاحیت قضات پیش‌بینی شده است.

براین اساس، تخلفات قضات در «دادگاه عالی انتظامی قضات» مورد رسیدگی و صدور حکم قرار می‌گیرد. این تخلفات در مصوبه مذکور تعریف شده و مجازات‌ها نیز به تناسب تخلفات بیان شده است. آرای این دادگاه در «دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی» قابل تجدیدنظرخواهی است.

اما در کنار «دادگاه عالی انتظامی قضات» محکمه دیگری به نام «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» نیز پیش‌بینی شده است که در آن به صلاحیت قضاتی که صلاحیتشان مورد تردید واقع شده، رسیدگی شده و در این مورد تحقیق و صدور رأی صورت می‌گیرد و در صورتی که دادگاه مزبور، قاضی را فاقد صلاحیت تشخیص دهد، او را به مجازات مقرر در قانون که حداقل آن تبدیل وضعیت و حداکثر آن انفصال دائم از خدمات دولتی است، محکوم می‌کند. ولی مشخص نیست که معنای تردید در صلاحیت چیست و این دادگاه بر چه اساسی در این مورد به صدور رأی می‌پردازد.

لازم به ذکر است که اولاً براساس اصل یکصدوشصت و چهارم قانون اساسی «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به‌طور موقت یا دائم منفصل کرد»، لذا انفصال قاضی از قضاوت مستلزم ارتکاب تخلف یا جرم مستوجب انفصال است. ثانیاً صلاحیت‌ها و شرایط لازم برای قضات در قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب سال ۱۳۶۱ در پنج بند تعیین شده است: «ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران»، «طهارت مولد»، «تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه»، «صحت مزاج» و «اجتهاد یا اجازه قضاوت». این شرایط باید ابتدأً و استدامتاً در فرد وجود داشته باشد تا مجاز به قضاوت باشد. ثالثاً قاضی در صورت از دست دادن هریک از شرایط فوق، دیگر صلاحیت قضاوت نخواهد داشت. از دست دادن شرایط نیز نیازمند احراز است. ظاهراً آنچه در بحث تردید در صلاحیت مطرح است، همان فقدان شرط اول از شرایط مذکور است و البته ترک تابعیت و از دست دادن شرط سوم. کشف فقدان شرط دوم و از دست دادن شرایط سوم و چهارم نیز با «محکوم کردن به مجازات» همخوانی ندارد.

با توجه به اصل یکصدوشصت و چهارم قانون اساسی، مبنای تردید در صلاحیت قاضی و انفصال وی، صرفاً می‌تواند ارتکاب تخلف یا جرم باشد، لذا تشکیل «دادگاه عالی انتظامی قضات» با این اصل قابل توجیه است.

ولی «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» به هیچ وجه با این اصل تطابق ندارد و بلکه بنا به نظر شورای نگهبان، مغایر با اصل مذکور است، زیرا طبق اصل یکصدوشصت و چهارم انفصال قاضی صرفاً با اثبات تخلف یا جرم مستوجب این موارد ممکن است و تغییر محل خدمت قاضی هم صرفاً در صورت رضایت خود او امکان دارد که البته در این خصوص، رئیس قوه قضائیه می‌تواند در صورت اقتضای مصلحت جامعه و با مشورت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور اقدام به تغییر محل خدمت قاضی نماید. از آنجا که صلاحیت «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» و تخلفاتی که این دادگاه به آن می‌پردازد و رابطه آن با رئیس قوه قضائیه در رابطه با نقل و انتقال مشخص نیست، نمی‌توان آن را مطابق با اصل مذکور دانست.

### ب) بررسی مصوبه کمیسیون

کمیسیون حقوقی قضایی با درک ایراد شورای نگهبان اقدام به حذف کل تشکیلات پیش‌بینی شده برای «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» از مصوبه کرده است و به جای آن قانون مصوب سال ۱۳۷۶ که این دادگاه را پیش‌بینی نموده است را کماکان مجرا اعلام نموده است. توضیح آنکه در قانونی تحت عنوان «قانون رسیدگی به صلاحیت قضات» که در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید، «محکمه عالی انتظامی قضات» تشکیل شد که صلاحیت و تشکیلات آن مشابه «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» است. محکمه مذکور پیش از این به موجب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۰ تشکیل شده بود.

به موجب مصوبه کمیسیون، قانون سال ۱۳۷۶ کماکان مجرا بوده و مواد مربوط در مصوبه جدید مجلس حذف می‌شود. هرچند با این اصلاح، ایراد شورای نگهبان برطرف می‌شود ولی می‌توان گفت که کمیسیون با این مصوبه عملاً شورای نگهبان را دور زده است. چراکه شورای نگهبان در حال حاضر چنین تشکیلاتی را مغایر قانون اساسی می‌داند و اگر قانون مصوب سال ۱۳۷۶ دوباره برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شود، یقیناً شورا آن را مغایر قانون اساسی اعلام خواهد کرد. کمیسیون با مجرا دانستن قانون مصوب سال ۱۳۷۶ عملاً نظر امروز شورای نگهبان را نادیده انگاشته و دادگاه مزبور را که در حال حاضر وجود دارد ابقا نموده است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شورای نگهبان تشکیل دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات را مغایر قانون اساسی اعلام کرده است. کمیسیون حقوقی قضایی برای رفع این ایراد، مواد مربوط به این دادگاه را حذف کرده و در عوض «قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات» مصوب سال ۱۳۷۶ را که این دادگاه در آن ذکر شده بود کماکان مجرا اعلام کرده است.

از آنجا که مقرر بود «لایحه تشکیلات دادرسی و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضات» با تصویب مجلس، قانون جامعی در باب نظارت بر رفتار قضات تبدیل شود، سعی شد تمامی مواد و قوانین مربوط در این قانون جمع شده و قوانین سابق ملغی اعلام گردد. با تصویب مصوبه کمیسیون، عملاً این اتفاق نخواهد افتاد. ضمن اینکه هرچند مصوبه کمیسیون ایراد شورای نگهبان را رفع می‌کند ولی عملاً با ترجیح نظر سابق شورای نگهبان بر نظر امروز این شورا، شورای نگهبان را دور زده است.

در مجموع قابل ذکر است که دلیل قائلین به لزوم وجود چنین تشکیلاتی قابل توجه است: لزوم نظارت بیشتر بر قضات جهت جلوگیری و مبارزه با فساد قضات. ولی به نظر می‌رسد که این مهم را باید با تقویت جایگاه «دادگاه عالی انتظامی قضات» تأمین نمود و نه با افزودن نهادی دیگر که جایگاه آن در نظام حقوقی و البته رابطه آن با دادگاه عالی انتظامی قضات مبهم است و لذا پیشنهاد می‌شود مصوبه بار دیگر به کمیسیون ارجاع شود تا با تقویت «دادگاه عالی انتظامی قضات» و حذف «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» به علاوه لغو «قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات» مصوب سال ۱۳۷۶، هم زمینه نظارت مؤثر و جدی بر قضات فراهم گردد و هم قانونی که در نهایت به تصویب مجلس می‌رسد، قانونی جامع در این حوزه باشد.